

راهبهای

پیگیری

از هرج و مرج و لغام کسینجی

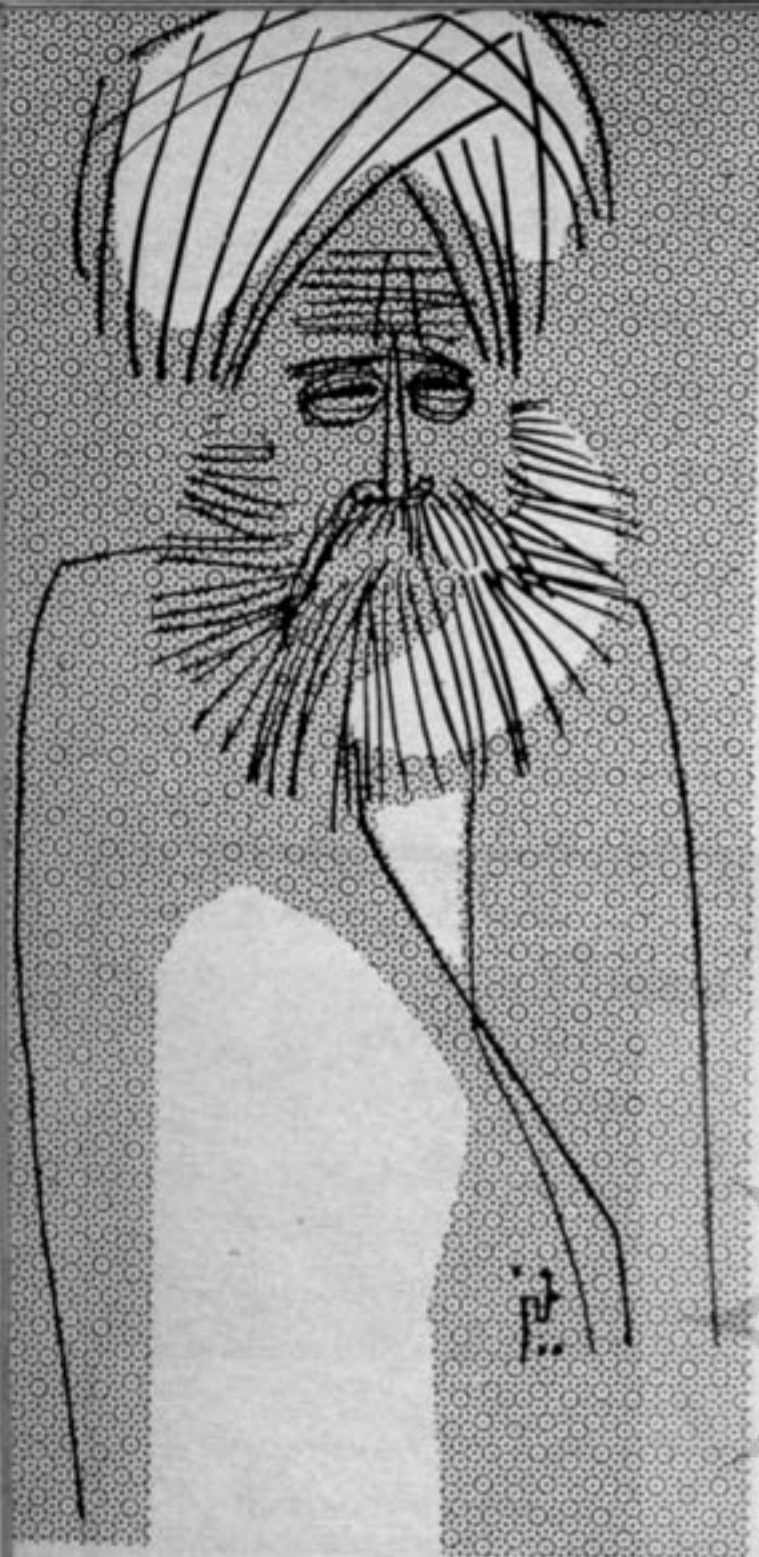
در نشر معاصر

از پروین کلبادی

برخی از کسان هنگامیکه به عنوان «تهذیب و تصفیه» در شماره‌های پیشون دیده افکنده‌اند بی آنکه تمام مقاله‌ها بخوانند پنداشته‌اند منظور نگارنده بیرون راندن همه کلمه‌های بیگانه از زبان فارسی است و در صورتیکه چنین پنداری بسیار ناخردانه و دور از منطق و امکان ناپذیر است، و با اینکه بارها یادآوری کرده‌ام، باز هم تکرار می‌کنم که منظور از تصفیه راندن قاعده‌ها و آنگونه کلمه‌هایی است که با دستور زبان فارسی و لهجه‌های ایرانی سازگار نیستند از قبیل: (ال) (تتوین) جمع‌های بیگانه و مانند اینها که با استقلال زبان فارسی آسیب می‌زنند و کار آموزش خواندن و نوشتن را در آموزشگاهها دشوار می‌سازند. و بی تردید باید این امر از طرف دستگاه صلاحیت‌داری رهبری شود.

پهلووده نوست که در کشورهای پیشرو و مستقل، دستگاه‌های ویژه‌ای از قبیل: فرهنگستان‌ها و دانشگاهها موضوع مهم زبان ملی خویش را در نهایت دلبستگی و کوشش و تلاش مداوم رهبری میکنند، اگر امروز در سراسر کشور ما دسته‌معدودی از نویسندگان هدف‌های سه‌گانه‌ی را که در نخستین مقاله برشمردم در نظر مگیرند و مراعات میکنند، با توسعه‌ی سریعی که برای فرهنگ‌دین چندسال حاصل آمده است هزاران جوان تحصیل کرده‌ی دیگر بعلت نبودن دستگاه رهبری کننده‌ی دقیقی برای این امر مهم حیاتی، دم‌پدم دچار مشکلاتی گوناگون میشوند و بسبب نبودن لغت و دستور مدون جامعی هر کس از پیش خود مشکلاتی را که با آنها در امر ترجمه و دیگر مسئله‌های ادبی روبرو میشود حل میکند و در نتیجه روز بروز بر شماری غلطها و موضوعهای خارج از قاعده‌ی دستور زبان افزوده میشود.

در شماره‌ی گذشته نیز یاد آور شد که نبودن فرهنگستان زبان فراوان به پیشرفت و تهذیب زبان موانع است و امروزه چنانکه همه‌ی کارهای اجتماعی و اقتصادی بوسیله‌ی دستگاه‌های رهبری کننده به پیش گام بر میدارد تا کزیر باید اگر مهم زبان نوزاداری چنین دستگاهی باشد زیرا زبان از یکسو مورد نیاز مداوم مردم در ارتباط با یکدیگر میباشد و مهمترین وسیله‌ی تفاهم است و از سوی دیگر از لحاظ ملیت عامل مهمی بشمار میرود و نیز از نظر نویسندگان و شعر در هنرهای زیبا تاثیر شگرف دارد و ویژه دستگاه رهبری کننده از جنبه‌ی رابطه‌ی با ملت‌های دیگر و اقتباس دانش و فرهنگ انسان، در ترجمه‌ی کتبها بر زبان فارسی بسیار مورد نیاز است. خوشبختانه بر حسب اطلاعاتی که از منبع موثقی بدست آمده شنیدم که وزارت فرهنگ بدستور اکید وزیر فرهنگ جدید در صد گشایش فرهنگستان است و در آینده‌ی نزدیکی فرهنگستان ایران فعالیتهای خود را از سر خواهد گرفت تردیدی نیست که فرهنگستان پیشون با همه‌ی انتقاداتی که از آن میشد از نبودن آن سودمندتر بود و بنا بر مثل معروف وجود ناقص به از عدم سرف است و اگر تا امروز باید اداری بود بیشک اصلاحی‌ها هم در آن بعمل می‌آمد و کامهای بلند می‌در آید به پیشرفت و تهذیب و تصفیه‌ی زبان فارسی بر میداشت. امروزه حتی در کوچکترین کشورهای عربی زبان انجمن‌هایی بنام «المجمع‌العلمی» بجای آکادمی یا فرهنگستان وجود دارد که همه‌ماهه لغت‌های دستگاهی مربوط به فرهنگ از ینکگاه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را بوسیله‌ی مجله‌ی خاصی منتشر میکنند و در دسترس مردم قرار میدهند آنها نیز روشی منطقی درین باره بر گزیده‌اند و بی تعصب لغت‌های بیگانه را در موضوعهای گوناگون که مورد نیاز است با اندک تفهیر یا بی تفهیر (در صورتیکه موافق لهجه‌ی آنها باشد) می‌پذیرند و اگر در



زبان خود کلمه یا اصطلاحی معادل کلمه‌ی خارجی یافتند بیشک آنرا بر کلمه بیگانه ترجیح می‌دهند و در حال انتشار کلمه یا اصطلاح یا قاعده‌ی صرف و نحوی از طرف مجله‌ی رسمی انجمن علمی به‌همی اختلاف نظرها و مناقشه‌های دیگران خاتمه می‌دهد و راه را برای فعالیت‌های علمی دانشجویان و دانش پژوهان هموار می‌سازد. در ایران نیز گرایش فرهنگستان از مهم‌ترین اصلاحها بشمار می‌رود تا در نخستین مرحله به‌کرشته اختلاف نظرها درباره‌ی بسیاری از قاعده‌های صرف و نحوی لغوی و رسم خطی و املائی خاتمه بخشد و آنکاه در همه‌ی رشته‌های علمی و صنعتی و ادبی لغت‌های دستکاهی برگزینند و آنها را در دسترس همگان قرار دهد و به‌هرج و مرج شکفت آوری که هم اکنون در نشر معاصر فرمانروایی میکند توجه دقیق مبذول دارد و قاعده‌ها و قانونهایی برای تکمیل زبانی از رخته کردن و نفوذ زبانه‌ی بیگانه بپندیشد. یکی از مؤلفان معاصر تازی زبان می‌نویسد: «تازیان هنگامیکه لغتی را از زبان دیگر می‌گرفتند آنرا تابع قانونهای لغت عرب قرار می‌دادند و علامتهای اعراب «رفع - نصب - جرا» را بر آن جاری می‌ساختند، آنرا با «ال» معرفه می‌ساختند، کلمه‌ی بدان اضافه می‌کردند، یا آنرا مضاف‌الیه قرار می‌دادند، آنرا تثبیه و جمع می‌بستند، بشهوه‌ی تازی کلمه‌ها صرف می‌کردند و از آن مشتق‌هایی جدا می‌ساختند.

چنانکه از کلمه‌ی «زندیک» معرب «زندیک» پارسی فعلهایی نظیر: «زندق» و «ترندق» ساختند و از طراز معرب «تراز» طرز تطریز را بنا کردند و صفت مطرز بنا کردند و از دیوان پارسی: «دون تدوینا» ساختند و از «نورزینورز» و از لجام «لکام» و «الجیم» و «ملجم» و «الجام» و از «درهم» و «درهم» و از «جنق» و «جنق» درست کردند.

(از ضحی‌الاسلام ج ۲ ص ۲۵۰ تالیف احمد امین)

همچنین کلمه‌های معرب را در معنیهای گوناگون بکار می‌بردند چنانکه کلمه‌ی «دیوان» نخست بردفتری اطلاق می‌شد که در آن نامه‌های لشکریان را می‌نوشتند، آنکاه کلمه‌ها به‌معنی جایگاهی که دفتر می‌بود در آنجا نگهداری می‌شد بکار بردند و سپس همین کلمه‌ها بر مجموعه‌ی شعرهای شاعر اطلاق کردند و گفتند: دیوان بشار. دیوان امر و القیس و... ص ۲۵۱

در نظر گرفتن چنین نکته‌هایی که تازیان در چندین قرن پیش آنها را درباره‌ی کلمه‌های بیگانه ملحوظ می‌داشتند، امری طبیعی است و بیشک هنگامیکه فرهنگستان ایران تشکیل یابده نه تنها اینگونه نکته‌ها بلکه بسیاری از نکته‌های دیگر را که بالجه‌ها و خصوصیت‌های دستوری پارسی وابسته است در نظر خواهد گرفت.

از فرهنگستان که بگذریم، در وضع کنونی که روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتابها و رساله‌ها روز بروز توسعه می‌یابند و به‌ستگی ملتها بیکدیگر چه از طریق پیمانتهای اقتصادی و فرهنگی و چه از راه تبادل و تلویزیون و هواپیما و دیگر وسایلهای این عصر، بصورت روز افزونی استوارتر می‌گردد و گسترش می‌پذیرد و خواهی نخواهی این وضع در فزونی یافتن لغت‌های تازه و اصطلاح‌های گوناگون تاثیر می‌بخشد، انتشار یافتن مجله‌های انتقادی که بشهوه‌ی نو کتابها و دیگر نوشته‌های چاپی را مورد انتقاد قرار دهند، از مهم‌ترین نوازشها بشمار می‌رود، در نشر معاصر نخستین نویسنده‌ی که از لحاظ لفظی برخی از ترجمه‌ها را مورد انتقاد قرار داد مرحوم دهخدا بود که در روزنامه‌ی سورا سرافیل ذیل عنوان چرند و پرند مقاله‌ی فکاهی مؤثری درین باره نوشت، پس از آن مهتوان داستان کوچک «فارسی شکر است» را در نظر آورد که آقای جمالزاده آنرا در کتاب یکی بود یکی نبود منتشر ساختند. سپس مرحوم صادق هدایت در کتاب «وغ و غ ساهاب» با انتقاد نویسنده‌گان پرداخت که بیشتر جنبه‌ی موضوعی داشت و افراطی بنظر می‌رسید و از هنگامیکه مجله‌ی سخن منتشر شد در قسمت معرفی کتابها گروهی از نویسندگان مانند آقایان: مجتبی مینوی، سعید نفیسی، دکتر زریاب خوبی، دکتر یارشاطر و دکتر زرین کوب و ایرج افشار و محبوب و مقرب و دیگران برخی از کتب را انتقاد می‌کردند و هم اکنون علاوه بر مجله‌ی سخن و مجله‌ی یغما که اغلب مقاله‌های انتقادی نوز دارد، مجله‌ی راهنمای کتاب تنها مجله‌ی انتقادی ایران است. البته نویسندگان دیگری نوز مقاله‌های انتقادی مؤثری داشته‌اند که ذکر آنها بدرازی سخن می‌کشد و کرد آوری دقیق این موضوع بر عهده‌ی کسانی است که تاریخ انتقاد را در نشر معاصر باید بنویسند، باری منظور از یاد آوری تاریخچه‌ی مختصر انتقاد این بود که با گسترش روز افزون نوشته‌های چاپی و وسایلهای انتقادی مذکور کافی بنظر نمی‌رسد و اکنون هنگام آن فرار شده‌است که وزارت فرهنگ نیز دستکاه مخصوصی برای بررسی کتابها بسویزه از نظر لفظی و درستی کلمه‌ها و جمله‌ها داشته باشد و پیش از انتشار هر کتاب آنرا بدقت انتقاد کند، همچنین بنگاه‌های نشر کتاب نوز باید ناقدان بسیاری داشته باشند تا پیش از انتشار کتابها را انتقاد کنند و نگذارند زبان شهرین پارسی دچار هرج و مرج لغوی و غلط‌های فاحش صرف و نحوی گردد.

باری سخن بدرازا کشیدم بخواستم درین مقاله درباره‌ی همزه و چگونگی رسم خط آن در پارسی نکته‌هایی بنظر خوانندگان ارجمند برسانم اما مشاهده کردم درین باره اختلاف نظر بعدی فراوانست که مایه‌ی سرگردانی خواننده می‌شود و از نیروی یاد فرهنگستان اقدام همچنین در سند بودم شاهدهایی از کتابی که وسایله وزارت فرهنگ بچاپ رسیده‌است برگزینم اما کتاب مزبور بعدی آکنده از غلط‌های صرف و نحوی بود که مرا بیاد مجله‌های انتقادی و دستکاه‌های رهبری کننده انداخت و برای اینکه از موضوع اصلی یا کیفیت تهذیب نشر معاصر بکلی خارج نشده باشم

نخست بهرخی از اغلاط کتاب مزبور بویژه آنها که مربوط به تهذیب نثر است اشاره میکنم و آنکه يك قسمت از شیوهی نوشتن همزه را بنظر خوانندگان میرسانم: یکی از مشکلات نثر معاصر اینست که در زبان فارسی از صداهای زبانه‌های خارجی (انگلیسی-فرانسوی) یافت نمیشود همچنین در زبانهای خارجی مزبور نیز بهرخی از صداهای الفبای فارسی و عربی نیست ازینرو هنگام بر گرداندن فارسی بزبانهای مزبور و بر عکس کلمه ها دستخوش تغییرهای شکفت آوری میشوند و بویژه در بر گرداندن انگلیسی یا فرانسه بفارسی بهرخی از نویسنده‌گان و مترجمان که متوجه اینگونه تغییرها نیستند و حوصله یافتن کلمه‌ی فارسی در ماخذهای ایرانی ندارند بعین همان کلمه‌ی فارسی تغییر یافته در زبان بیگانه را بفارسی بر میگردداند از سوی دیگر توجه ندارند که بهرخی از صداهارا در فارسی چگونه بنویسند و حتی بنوشته‌های دیگران هم مراجعه نمیکنند و در نتیجه هر چه و مرج و غلطهای عجیبی رخ میدهد. در کتاب تاریخی که از طرف وزارت فرهنگ چاپ شده است دو کلمه‌ی «ترمذ» و «در بند» یا باب‌الابواب را که از شهرهای معروف ایران بوده‌اند و بکلمه‌ی نخست یکی از شاعران معروف ادیب‌سایر ترمذی و بکلمه‌ی دوم فاضل دربندی منسوب است مترجم از انگلیسی بدینسان بفارسی بر گردانده است: (ترمیز) «در بندت» ۱.

در همین کتاب کلمه‌ی (تاورنوه) را بدینسان می‌بینیم: «تا ورنور» ۲ و کلمه‌ی «اسن» را که نام شخصی است در يك صفحه «اوسون» و در صفحه‌ی دیگر «اوسن» آورده است ۳ کلمه‌ی (ونوز) را در يك سطر «ونوس» و در دو سطر بعد «ونوز» نوشته است ۴ «تسن» را که اروپاییان (ارتدکس) میگویند بسورت «ارتودکس» ترجمه کرده و نوشته است: «عکس العمل ارتودکس در خلافت متوکل ص ۱۸ هر چند در غلطنامه بدینسان تصحیح شده است: عکس العمل تعصبات مذهب رسمی برای نجات درخت وعده شده»! باری این یاد آورید در برابر کوششهای گرانمایه‌ی من که مترجم همین کتاب در افزودن تاریخ مهمی بر نوشته‌های پارسی انجام داده بسیار ناچیز است و بهیچوجه از قدر و منزلت مترجم و کتاب نمی‌کاهد بلکه منظور نشان دادن مشکلاتی است که هم اکنون مترجمان با آنها روبرو هستند.

و بهیچوجه درین رشته مقاله‌ها کمترین غرض شخصی وجود ندارد و بهیچوجه سبب از ذکر نام کتاب و مترجم خود داری شد تا بر غرض خصوصی حمل نشود و درین باره یعنی کلمه‌های تازه‌یسی که از زبانهای بیگانه داخل فارسی شده و بسورت‌های گوناگون آنها را می‌نویسد در آینده بتفصیل بحث خواهد شد.

و اما درباره‌ی همزه تنها یکی از قواعد های مربوط بدانرا یاد میکنم و آن اینست که کلمه‌های مختوم به‌های مختلفی را هنگام الحاق بای وحدت یا نکره یا ضمیر یا نسبت چگونه باید نوشت؟ درین باره چهار شیوه بکار رفته است:

۱- نامه ۲. نامه ئی. ۳- نامه یی. ۴- نامه ای. که هم اکنون دو صورت نخست متروک و دو صورت دیگر متداولست آنانکه طرفدار صورت «نامه یی» هستند میگویند بای نخست بایزاید است که در فارسی در موارد بسیاری مورد استعمال دارند مانند جمع کلمه‌های مختوم به الف «دانایان» و اضافه‌ی کلمه‌های مختوم به الف و های مختلفی: دانای ایران‌خانه‌ی او. و بای دوم بای وحدت یا جز آنست و دسته‌ی که طرفدار صورت: نامه ای هستند گویند این همزه‌ی وقایه بجای (ی) زاید آمده است که در «خانه اش» و «نامه اش» هم هست و در رسم خط قدیم هم هر دو صورت متداول بوده است که اینک برای صورت اخیر چند شاهد از نسخه‌ی عکسی کشف الاسرار متعلق به دانشگاه نقل میشود:

مرانامه‌ای ده تا میان من و تو نشانی باشد. ورق ۳۸۴ بعلامت (ج)
هر کس را از قسمت بهره‌ای و من بی‌نصیبم هر دل شده ای رایاری و غمگساری و من بی‌یار و بی‌فریبم. ورق ۳۸۹ همان جلد.

و بهیچوجه که فرهنگستان باید یکی از دو صورت بالا را برگزیند تا باختلاف و دوگانگی نوشتن آن خاتمه بخشد. در شماره‌ی آینده بتفصیل درباره‌ی همزه و قواعد های مربوط بدان در املا در رسم خط گفتگو خواهد شد.

دگمه روی لباس



گرا نهاترین دور بین تلویزیون - دور بینی است که در اینجامه بینود.

این دور بین دارای يك ذره بین مدل (زوم) است که فاصله کانونی آن از ۴ تا ۴۰ اینچ تغییر میدهد و در نتیجه می‌توان از يك فاصله صد متری بتدریج منظره را بحدی نزدیک کرد تا دگمه روی لباس شخصی را به يك متری فاصله رسانید.

تنها وزن این دور بین ۲۰ کلو گرام است و بهای آن در حدود یکمیلیون ریال است.